

## بررسی زمینه‌ها و عوامل بهانه‌جویی‌های اجتماعی در برابر اوامر الهی از منظر قرآن کریم



عباس شریفی\*

رضا سعادت نیا\*\*

سید حسین واعظی\*\*\*

مقاله پژوهشی

10.22034/JKSL.2022.344455.1103

دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

### چکیده

یکی از ناهنجاری‌ها و آسیب‌های بزرگ در حوزه رفتار اجتماعی، بهانه‌جویی در برابر اوامر الهی است که به صورت درخواست‌ها و پرسش‌های جاهلانه و بعضاً ستیزه‌جویانه در مقابل سفیران الهی مطرح می‌گردد. این موضوع بازتاب وسیعی در آیات به ویژه قصص قرآن دارد. این مقاله با عنوان بررسی زمینه‌ها و عوامل بهانه‌جویی‌های اجتماعی در برابر اوامر الهی، با محوریت آیات مربوط به قوم حضرت موسی علیه السلام و امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، به صورت توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی، عوامل و زمینه‌سازهای این رفتار اجتماعی نامطلوب را مورد بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد، در رهیافت قرآنی، بهانه‌جویی ریشه در عوامل متعددی دارد که برخی مربوط به ساختار درونی انسان (بینشی-گرایشی) و برخی متأثر از عوامل بیرونی است. عوامل مربوط به ساختار وجودی در حوزه بینشی: جهل، مادی‌نگری و سوءظن به خدا و در حوزه گرایشی: تفوق‌طلبی، تنوع‌طلبی، راحت‌طلبی، فرصت‌طلبی و مسئولیت‌گریزی می‌باشد. از عوامل زمینه‌ساز بیرون از ساختار وجود انسان که نقش جهت‌دهنده و سوق‌دهنده به بینش‌ها و گرایش‌ها دارد، می‌توان به عوامل فیزیکی و متافیزیکی (غیر محسوس) و زمینه‌سازهای اجتماعی-فرهنگی مانند ساختار اجتماعی آسیب‌زا و نقش همنشینی اشاره کرد. همچنین با تدبر در آیه‌ی ۱۳۰ سوره بقره و توجه به صنعت تضمین بکار رفته در آن، در می‌یابیم ریشه اصلی اعراض از فرمان‌های الهی با بهانه‌جویی، میل و رغبت عامدانه به غیر خدا و دل در گرو غیر او داشتن است.

**واژگان کلیدی:** بهانه‌جویی‌های اجتماعی، عوامل زمینه‌ساز، اوامر الهی، تحلیل محتوا.

\* دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) اصفهان، ایران.  
sharifi.abbas22@gmail.com

\*\* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. دانشکده علوم قرآنی اصفهان (دولت آباد). ایران (نویسنده مسئول).  
saadatnia@quran.ac.ir

\*\*\* دانشیار گروه الهیات دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد (خوراسگان) اصفهان، ایران.  
vaezi1340@gmail.com

## ۱- طرح مسأله

قرآن کتاب هدایت و ایجاد تغییر مطلوب در انسان، یعنی بیرون راندن او از تاریکی‌ها بسوی نور (بقره: ۲۵۷) است. تحقق این مهم، نیازمند محتوای تغییر یعنی احکام، برنامه‌ها و قانونگذاری‌ها است. این محتوا، بُعد الهی و آسمانی داشته و نشان دهنده قوانین خدایی است که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گشته است. علاوه بر این، جنبه دیگر برای تغییر، در نظر داشتن قوانین و ضوابط تاریخی است که در جوامع بشری حکومت می‌کند و در طول زمان‌ها، بر همه گروه‌ها حاکم است (صدر، ۱۳۸۸: ۳۱-۳۳).

بی‌شک شناخت قوانین و نظاماتی که بر جهان و به‌خصوص بر زندگی اجتماعی انسان بعنوان سنت‌های الهی سیطره دارد، طرز تفکر و بینشی به انسان می‌دهد، که در زندگی عملی و روش و رفتار اجتماعی او بسیار مؤثر است. فرد یا جامعه با مطالعه آیات، به این درک و شناخت نائل می‌آید که حوادث رخ داده در زندگی او و جامعه، بی‌حساب و به‌گزارف نیست، بلکه سعادت یا شقاوت، نیک‌بختی یا نگون‌بختی، رابطه‌ی مستقیم با فکر، عقیده و عملکرد خود دارد و نتیجه و حاصل این شناخت و باور، حرکت خواهد بود، حرکتی که او را در مسیر آفرینش و استحکام علل تعالی و تکامل خود و جامعه به مجاهدت و می‌دارد و نیز نسبت به رفع موانع و عوامل سقوط و انحطاط، به تلاشی خستگی‌ناپذیر ملزم می‌نماید.

به اذعان قرآن پژوهان، نگرش قرآن کریم به جامعه، یک نگرش شمول‌گرایانه است که در آن، ابعاد مختلف همچون هستی و چیستی جامعه و قوانین حاکم بر آن در رابطه با کامیابی و ناکامی، صعود و افول تمدن‌ها، عوامل شکوفایی و انحطاط جامعه با ارائه نمونه‌های عینی از اجرای سنت‌های الهی بیان و به تصویر درآمده و ناهنجاری‌ها و آسیب‌های رفتاری را از عوامل مهم در انحراف، ناکامی و افول تمدن‌ها قلمداد نموده است. از این روی قرآن کریم بر مطالعه، بررسی و تحلیل اعتقادی و رفتاری جوامع گذشته‌ی تاریخ به ویژه در قصص تأکید فراوان دارد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۲۳-۷۹-۲۸۸؛ جوادی آملی، ۱۳۷۴: ۱۷۱-۱۸۲-۳۷۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۵؛ کریمی، ۱۳۹۰: ۸۵-۲۴۵).

براین اساس، یکی از راه‌های شناسایی رفتارهای اجتماعی در حوزه مطالعات دینی، تدبر در سرگذشت امت‌های پیشین در قرآن است. در میان قصص قرآنی، داستان قوم حضرت موسی ﷺ از برجستگی‌های خاصی برخوردار است که در سوره‌های مختلف و با فراوانی تکرار ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری، انحرافات فردی و اجتماعی، بدعت‌ها، فتنه‌ها



و آزمون‌های الهی بیان شده است. از طرفی دیگر، با توجه به تأکیدات قرآن مبنی بر عبرت‌پذیری امت اسلام از جریان‌های مربوط به بنی اسرائیل (اعراف: ۱۷۶؛ یوسف: ۱۱) و روایات متواتری که از پیش‌بینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد تکرار حوادث قوم بنی اسرائیل در امت اسلام خبر می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳: ۴۴)، و همچنین، وجود تعداد زیادی از آیات قرآن در مورد ویژگی‌ها و عکس‌العمل‌های مسلمانان در برابر دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و بیان خصوصیات و ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله، به نظر می‌رسد مبنا قرار دادن ویژگی‌های مشترک این دو قوم و امت در حوزه رفتار اجتماعی و آسیب‌شناسی آن، می‌تواند کمک شایانی به راه‌های برون رفت از بحران‌های موجود نزد مسلمانان و عدم تکرار خطای گذشتگان داشته باشد.

براساس آیات قرآن، یکی از ویژگی‌های مشترک قوم حضرت موسی علیه السلام و امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله در حوزه رفتار اجتماعی، بهانه‌جویی است که به صورت درخواست‌ها و پرسش‌های جاهلانه و بعضاً ستیزه‌جویانه خود را نشان داده است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ...» (بقره: ۱۰۸)؛ آیا می‌خواهید از پیامبران درخواست کنید (سوال کنید)، همان‌گونه که پیش از این از موسی علیه السلام درخواست شد... ظهور و بروز این ویژگی شخصیتی برای قوم حضرت موسی علیه السلام در قرآن کریم به صورت‌های مختلفی بوده است که از جمله آن می‌توان جریان گاو بنی‌اسرائیل (بقره: ۶۷-۷۳)، درخواست غذاهای متنوع از حضرت موسی علیه السلام (بقره: ۶۱)، درخواست رؤیت آشکار خداوند و مشروط کردن ایمان به آن (بقره: ۵۵) و درخواست بت‌سازی از حضرت موسی علیه السلام (اعراف: ۱۳۸) را نام برد. در مورد بهانه‌جویی امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز می‌توان به پرسش‌های بی‌جا برای پرده برداشتن از واقعیت‌های ناپسند (مائده: ۱۰۱)، عدم شرکت در نماز جماعت به بهانه گرمی هوا (بقره: ۲۳۸)، بهانه‌جویی برای عدم حضور در جهاد (احزاب: ۱۲-۱۳) و بهانه‌جویی جهت عدم همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله در سفر حج (فتح: ۱۱) اشاره کرد. در این مقاله تلاش بر آن است با محور قرار دادن آیات مربوط به بهانه‌جویی‌های قوم حضرت موسی علیه السلام و امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی، عوامل این رفتار اجتماعی نامطلوب مورد بررسی و ریشه‌یابی قرار گیرد. بنابراین پرسش اصلی این تحقیق عبارت است از: عوامل زمینه‌ساز رفتار اجتماعی بهانه‌جویی در برابر اوامر الهی از منظر قرآن کریم چیست؟

## ۲- پیشینه تحقیق

در جستجوهای انجام گرفته مقالاتی وجود دارد که به صورت کلی به مباحث پیرامون رفتار اجتماعی و بهانه‌جویی پرداخته‌اند، از جمله آن می‌توان به مقاله «نگاه جامعه‌شناختی به قوم یهود در قرآن» از محمد باقر آخوندی (۱۳۸۵ش) اشاره کرد. این مقاله ویژگی‌های اجتماعی و روانی قوم یهود که دارای آثار اجتماعی مخرب بوده است را به هدف شناخت راه‌حل‌های مناسب برای حل مشکلاتی که برای جوامع بشری بوجود آورده، مورد بررسی قرار داده است. مقاله دیگر «مصادیق رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن و عترت» از رضا علی فراح زاده (۱۳۹۱ش) می‌باشد. این مقاله، با هدف آشنایی با نوع رفتارهای انسانی بویژه بین مسلمانان، گوشه‌ای از مصادیق رفتار اجتماعی را بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام مورد تبیین قرار داده است. در میان کتاب‌ها، کتابی که فقط به این موضوع پرداخته باشد یافت نشد، هر چند در برخی از کتاب‌ها مانند جلد سوم «اخلاق در قرآن» آیت الله مکارم شیرازی (۱۳۷۷ش) مباحثی پیرامون انگیزه و پیامدهای بهانه‌جویی و لجاجت به‌اختصار ارائه گردیده است.

تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته آن است که این مقاله به صورت خاص به بررسی علل و عوامل زمینه‌ساز بهانه‌جویی در برابر اوامر الهی و ریشه‌یابی آن در حوزه رفتار اجتماعی با محوریت آیات مربوط به قوم حضرت موسی علیه‌السلام و امت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداخته است.

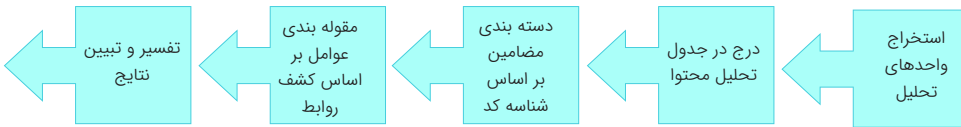
## ۳- روش پژوهش

این نوشتار، پژوهشی بنیادی - نظری با رویکرد تفسیری است و در صدد است به شیوه توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی، عوامل و زمینه‌های بهانه‌جویی‌های اجتماعی در برابر اوامر الهی را از منظر قرآن مورد واکاوی قرار دهد. بدین‌منظور، ابتدا آیات مربوط (واحدهای تحلیل) با مراجعه به قرآن کریم استخراج و در جدول تحلیل محتوا که گویای موضوع اصلی و نقطه تمرکز می‌باشد، درج شده‌است. در مجموع ۲۵ واحد بررسی گردید و در حدود ۴۷ مضمون و پیام از آن برداشت و کدگذاری شد. در مرحله بعد با توجه به روش توصیفی - تحلیلی مستند به منابع مکتوب حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی که متکی به تجزیه و تحلیل انتزاعی داده‌ها می‌باشد (عزتی، ۱۳۷۶: ۲۴۹)، مضامین دارای اشتراک مفهومی مورد دسته‌بندی قرار گرفت و مضامین نهایی مطرح گردید. با تکیه بر جهت‌گیری آیات، دو مقوله اصلی عوامل درونی و بیرونی شناسایی و با



تحلیل واحدهای تحت این دو مقوله، عوامل زمینه‌ساز شناسایی و بر اساس ساختار درونی انسان و نیز عوامل بیرونی به شکلی منسجم و بیانی علمی مورد دسته‌بندی و تبیین قرار گرفت تا در راستای بصیرت‌افزایی و اعتلای فرهنگ دینی - اجتماعی و کاربردی‌سازی آن، گامی هر چند خرد برداشته شود.

نمودار: فرآیند انجام تحقیق



نمونه جدول مبنای مطالعات صورت گرفته در پژوهش حاضر (به صورت خلاصه و گزینشی) به این شرح است:

جدول شماره: واحدهای تحلیل

بقره: ۵۵، ۵۶، ۵۷؛ بقره: ۶۱؛ بقره: ۶۷-۷۲، بقره: ۷۴، بقره: ۱۳۰؛ مائده: ۲۴؛ اعراف: ۱۳۸، ۱۴۰؛ قصص: ۴۱	قوم حضرت موسی <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small>	آیات مربوط به بهانه جویی‌های اجتماعی در برابر اوامر الهی در قرآن کریم	واحدهای تحلیل
بقره: ۱۱۸، ۱۱۹؛ بقره: ۲۳۸؛ توبه: ۹۷؛ احزاب: ۱۲، ۱۳؛ فتح: ۱۱، ۱۲	امت حضرت محمد <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>		

نمونه جدول مبنای مطالعات صورت گرفته در پژوهش حاضر (به صورت خلاصه و گزینشی) به این شرح است:

جدول شماره ۲: تحلیل محتوا

ردیف	آیه	موضوع اصلی	نقطه تمرکز (مضامین فرعی)	شناسه کد
۱	وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ * ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * وَ ظَلَلْنَا عَلَيْكُمُ الْعُمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰ وَ السَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (بقره: ۵۵-۵۷)	لجاجت و بهانه‌جو بودن آنان	عبرت از عاقبت لجاجت، جسارت، بی‌ادبی و توقعات نابجای گذشتگان	A۲
			پیدایش روحیه‌ی شکرگزاری در اثر نجات از برخی تلخی‌ها	A۳
			الطاف الهی زمینه‌ساز ظلم انسان بر خود	A۴
۲	وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِئُ الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَ فُومِهَا وَ غَدْسِهَا وَ يَصْلِيهَا قَال أ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهَيِّطُوا مِضْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ وَ ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَاؤُ بِغَضَبِ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكِ يَنْهَكُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكِ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ (بقره: ۶۱)	ناسپاسی در برابر الطاف الهی و گرفتاری در غضب او، نتیجه لجاجت انسان	زیاده‌خواهی و تنوع طلبی بنی‌اسرائیل به جای شکرگزاری از نعمت‌های «مَن و السلوی»	A۵
			رفاه‌طلبی، زمینه‌ی ذلت و خواری انسان	A۶
			نهی ابد در صبر بر طعام واحد	A۷
۳	وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً قَالُوا أَ تَتَّخِذْنَا هُزُؤًا قَالِ أَعُوذُ بِاللَّهِ إِنَّ أَكْرَمَ مِن الْجَاهِلِينَ * قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا فَارِضٌ وَ لَا يَكْرُ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ * قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقْعِ لَوْهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ * قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقْرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَ إِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ * قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَ لَا تَسْقِي الْحَزْتَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبِّحُوهَا وَ مَا كَادُوا يَفْعَلُونَ * وَ إِذْ قُلْتُمْ نَفْسًا فَاذَارَاتُمْ فِيهَا وَ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (بقره: ۶۷-۷۲)	بهانه‌جویی در جریان گاو بنی اسرائیل	بی‌ادبی یهود نسبت به حضرت موسی ﷺ (استفاده از الفاظ و عبارات مختلف مانند جهالت و بیهوده‌کاری و مسخرگی)	A۸
			بهانه‌جویی و یافتن راه فرار برای ذبح گاو	A۹
			آشکار شدن درجه‌ی ایمان مردم به پیامبرشان، از نوع برخورد آنان نسبت به دستورات و فرامین پیامبر	A۱۰
			تکرار کلمه «لنا» و آمدن کلمات «رتک» «رتنا» نشانه روح تکبر در بنی اسرائیل	A۱۱
			روحیه‌ی لجاجت باعث تشبه حق بر انسان	A۱۲
			توجه به علم خداوند، داروی درمان قساوت	A۱۳
۴	ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَ إِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَ إِنَّ مِنْهَا لَمَا يَسْقَىٰ فَيَجْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَ إِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره: ۷۴)	قساوت قلب بنی اسرائیل نتیجه بی‌توجهی به آیات الهی و لجاجت آنان	خداوند به همه‌ی کارهای ما آگاه است	A۱۴
			غفلت از علم خدا به افعال بندگان علت هانه جویی است.	A۱۵
			سال سوم شماره سوم پیاپی نهم پاییز ۱۴۰۱	

جدول شماره ۳: دسته بندی مضامین

ردیف	مضامین دارای مفهوم مشترک بر اساس شناسه کد	جمع بندی مضامین	مضمون نهایی	مقوله اصلی (بر اساس ساختار وجودی انسان)
۱	A <sup>۳۰</sup> +A <sup>۲۸</sup> +A <sup>۱۷</sup> +A <sup>۱۵</sup>	جهل و غفلت نسبت به الوهیت الهی و احاطه علمی خداوند به افعال بندگان	جهل	درونی- بینشی
۲	A <sup>۱۱</sup> +A <sup>۷</sup> +A <sup>۱</sup>	استقلال در طلب امور با توجه به نوع خطاب و نفی ابد در برابر پیامبر الهی	تفوق طلبی	درونی- گرایشی
۳	A <sup>۴۴</sup> +A <sup>۳۶</sup> +A <sup>۲۶</sup> +A <sup>۲۴</sup> +A <sup>۹</sup>	پرسش‌های بیجا برای فرار از ذبح گاو و توجیحات بی‌اساس برای تخلف از جهاد و عدم شرکت در نماز جماعت	مسئولیت‌گریزی	درونی- گرایشی
۴	A <sup>۴۱</sup> +A <sup>۳۵</sup>	اغواگری منافقان برای عدم حضور مسلمانان در جهاد و تأثیر در افراد ضعیف الایمان	تأثیر هم‌نشین در انسان	بیرونی- اجتماعی

همانطور که ذکر گردید، این دو جدول طولانی است و به جهت نمونه و به اختصار تنها بخشی از آن درج شده است.

#### ۴- رفتار اجتماعی

زمانی که تعدادی از افراد جامعه عمل یا رفتاری را آگاهانه یا ناآگاهانه، به کرات و مشابه هم در یک مقطع زمانی خاص انجام دهند به گونه‌ای که قاعده‌مند و بر طبق الگو باشد و در افراد نهادینه شده باشد آن را رفتار اجتماعی گویند (منادی، ۱۳۹۱: ۱۷۲). همچنین رفتار اجتماعی را به برخوردهای مردم در یک محیط خاص و یا یک محیط جغرافیایی نیز تعریف کرده‌اند (جان‌ای، بیتا: ۳۲۹). رفتار اجتماعی به دو نوع رفتار مطلوب و نامطلوب تقسیم می‌شود، هر چند به نام‌های دیگری نیز همچون رفتار اجتماعی مدح و مذموم، جامعه‌پسند و جامعه‌ستیز، بهنجار و نابهنجار نیز نام‌بردار گردیده است. در جوامع مختلف با توجه به معیارها و ملاک‌های مختلف (آماری، اجتماعی، فرهنگی، فردی، دینی و...) که برخاسته از نحوه نگرش به انسان و ساختار وجودی اوست، تلقی از رفتار اجتماعی متفاوت خواهد بود (ابوترابی، ۱۳۸۲: ۱۸) یعنی ممکن است رفتاری در یک جامعه بهنجار یا مطلوب تلقی شود ولی همان رفتار در جامعه دیگر نابهنجار یا نامطلوب تلقی گردد. در جامعه دینی معیار و ملاک، تطبیق یا عدم تطبیق با آموزه‌های دینی است. اگر عمل یا رفتاری

با آموزه‌های دینی سازگار باشد مطلوب و اگر ناسازگار باشد نامطلوب به حساب می‌آید (فولادی، ۱۳۸۴: ۳۷).

## ۵- بهانه‌جویی

بهانه‌جویی به معنای عذرتراشی، ایراد بیجا گرفتن، در پی دستاویز برای بازخواست و اعتراض گشتن؛ دنبال بهانه گشتن است (عمید، ۱۳۸۹، ج: ۱؛ ۲۰۸؛ دهخدا، ۱۳۷۷، ج: ۴؛ ۵۱۰۴) که از عوامل بسیار مخرب زندگی انسان و از موانع اصلی اصلاح او است. این ویژگی، انسان را از فطرت و سلامت بیرون می‌برد تا جایی که دست به انکار محسوسات و بدیهیات می‌زند و اگر سقوط قطعه‌ای از آسمان که نشانه عذاب این افراد است را ببیند می‌گوید: چیزی نیست، ابری متراکم است (طور: ۴۴).

البته لازم به ذکر است، پرسشگری و جستجو برای یافتن حقیقت، امری پسندیده است زیرا برخی از پاسخ‌ها اقماعی بوده و ذهن یک حقیقت‌جو را نمی‌تواند سیراب نماید. نتیجه آنکه؛ مرز بین بهانه‌جویی و پرسش‌های حقیقت‌جویانه، پای فشردن بر سخن باطل و یا عمل نادرست بعد از آشکار شدن حق و تمسک به سخنان دور از منطق است. بهانه‌جویی به عنوان یکی از سازوکارهای لجابت، انواع و اقسام گوناگون و همچنین گونه‌های ظهور و بروز متفاوتی دارد. این ویژگی می‌تواند در مسائل خانوادگی، سازمانی و اجتماعی هم به صورت یک خصوصیت اخلاقی فردی و هم به عنوان ویژگی قومی و گروهی خودنمایی نماید. آنچه در مورد ویژگی مشترک قوم حضرت موسی علیه السلام و امت حضرت محمد در قرآن وجود دارد، بهانه‌جویی در برابر پیامبر الهی به جهت نپذیرفتن حق و ستیزه در برابر تعالیم دین به عنوان یک رفتار اجتماعی نامطلوب است.

در این پژوهش، مهم فهم یک آسیب در حوزه رفتار اجتماعی و حرکت جمعی از وضع نامطلوب به مطلوب است. در نگاه کلی این امر در سه مرحله انجام می‌گیرد. ابتدا شناسایی زمینه‌ها و عوامل آسیب یا رفتار نامطلوب، دوم پیامدها و آثار نامطلوب آن و در نهایت بررسی راه‌های برون‌رفت از آن رفتار اجتماعی، که در این تحقیق مرحله نخستین یعنی شناسایی عوامل زمینه‌ساز و ریشه اصلی ایجاد این رفتار اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.



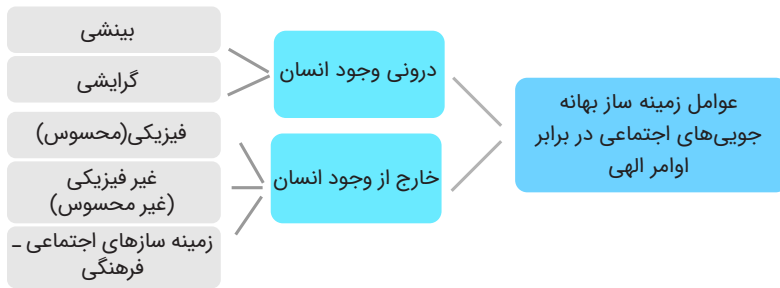


## ۶- عوامل زمینه‌ساز رفتار اجتماعی بهانه‌جویی

عوامل، جمع عامل به معنای آن کس یا چیزی است که کار، رویداد یا چیزی را بوجود می‌آورد یا در بوجود آوردن آن نقش دارد (انوری، ۱۳۸۲، ج: ۵: ۴۹۵۹). بنابراین عامل، واژه‌ای مشترک است که هم به معنای علت تامه است که موجب تحقق حتمی یک پدیده می‌شود و هم به معنای علت زمینه‌ساز است که بستر تحقق یک پدیده را ایجاد می‌کند (سجادی، ۱۳۷۵: ۵۲۳) در این تحقیق، منظور از عوامل، علل زمینه‌ساز و بوجود‌آورنده رفتار اجتماعی بهانه‌جویی می‌باشد که در قوم موسی علیه السلام و امت محمد صلی الله علیه و آله مربوط به دو حوزه است:

### ۱- ساختار درونی انسان یعنی عوامل بینشی و گرایشی ۲- عوامل بیرون از وجود انسان

نمودار ۲: مقوله‌های استخراج شده در فرآیند کدگذاری



### ۱-۶ عوامل مربوط به ساختار درونی انسان

در مباحث مربوط به رفتارشناسی انسان، هر رفتاری دارای دو خاصیت پیچیده و عمیق ادراک و اراده است. در حوزه ادراک که از آن به عنوان بینش تعبیر می‌شود، علم، معرفت و شناخت در آن دخیل است و در اراده که از آن به گرایش تعبیر می‌شود، میل، رغبت، و انگیزش (حالت انگیزتگی برای رسیدن به هدف) نقش ویژه‌ای دارد (جلالی، ۱۳۸۰: ۴۶).

بینش در لغت به معنای بینایی، بصیرت (دهخدا، ۱۳۷۷، ج: ۳: ۴۵۹۴)، نگرش دید و نظر (انوری، ۱۳۸۲، ج: ۵: ۱۱۹۰) و در این پژوهش به معنای علم و معرفت و نگرش صحیح به اجزای هستی، خالق هستی، هدف هستی، چیستی هستی، کیفیت هستی (قربانخانی، ۱۳۹۹: ۷۸) و اموری از این دست می‌باشد که زمینه رفتارهای اجتماعی را فراهم می‌آورد. گرایش به معنای میل، خواهش، رغبت (دهخدا، ۱۳۷۲، ج: ۱۱: ۱۶۷۷۴) و تمایل (انوری، ۱۳۸۲،

ج ۶: ۶۱۰۴) و در این تحقیق منظور انگیزش‌ها، تمایلات، جهت‌گیری‌ها و تعلقات می‌باشد (قربانخانی، ۱۳۹۹: ۸۴) که بستر شکل‌گیری رفتارهای اجتماعی را ایجاد می‌کند.

این دو عامل بینش و گرایش، با یکدیگر موجب پیدایش رفتار می‌گردد. بنابراین، یک رفتار، صرفاً معلول بینش نبوده و علاوه بر بینش، به گرایش نیز نیازمند است. پس در هر رفتار اجتماعی دو عامل اساسی بینش و گرایش دخیل می‌باشد. لازم به ذکر است، این دو عامل بیشتر جنبه معرفتی و غریزی داشته و ناظر به ساختار وجودی انسان است و به غیر از آن عوامل دیگری بیرون از وجود انسان مانند عوامل مادی، متافیزیکی و اجتماعی به عنوان عوامل جهت دهنده و سوق دهنده به بینش‌ها و گرایش‌های انسان می‌تواند نقش مهمی در ایجاد رفتار اجتماعی ایفا نماید.

#### ۶-۱-۱ عوامل بینشی بهانه‌جویی

##### ۶-۱-۱-۱ جهل

حضرت علی علیه السلام ریشه هر شری را جهل می‌داند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۸). جهل نسبت به خداوند و عدم شناخت او که شبیه و مانندی ندارد، جهل نسبت به حقیقت خود و علل اصلی حوادث جهان خلقت، جهل نسبت به ماورای طبیعت، جهل نسبت به مقام و فلسفه بعثت پیامبران و جهل نسبت به جایگاه خود در نظام خلقت بخصوص نسبت به جایگاه بندگی خدا از جمله جنبه‌های عمومی جهل است. جهل به این موارد انسان را تحت تأثیر بسیاری از خرافه‌ها و خیالات واهی و پندارهای بی‌اساس قرار می‌دهد و او را در مقابل حقایق به بهانه‌جویی و لجاجت وا می‌دارد. خداوند متعال در مورد بهانه‌جویی مشرکان در طول تاریخ انبیا می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْ لَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (بقره: ۱۱۸)؛ و آنان که علم و آگاهی ندارند گفتند: چرا خدا با خود ما سخن نمی‌گوید و یا چرا معجزه را بخود ما نمی‌دهد، جاهلانی هم که قبل از ایشان بودند نظیر این سخنان را می‌گفتند. دل‌های اینان با آنان شبیه به هم است و ما آیات را برای مردمی بیان کرده‌ایم که علم و یقین دارند.

در این آیه خداوند به تناسب بهانه‌جویی‌های یهودیان، روی سخن خود را به مشرکان بهانه‌جو کرده و علت بهانه‌جویی آن‌ها را با عبارت «الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» جهل آنان معرفی کرده است و این ویژگی را با عبارت «تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ» به امت‌های قبل از آنان نیز سرایت داده است و در آیه بعد با مورد خطاب قرار دادن پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت غیر مستقیم



بیان می‌نماید که پیامبر به حق از طرف خداوند برای شما آمده و بهانه‌جویی در برابر دعوت حق پیامبر ﷺ شما را جهنمی خواهد کرد. درباره قوم حضرت موسی ﷺ و امت حضرت محمد ﷺ جهل در موارد زیر باعث بهانه‌جویی آنان شده است:

#### ۶-۱-۱-۱ جهل به الوهیت خدا

خداوند در آیه ۱۳۸ اعراف که ناظر به بهانه‌جویی بنی اسرائیل مبنی بر درخواست بت‌پرستی است با عبارت «قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»؛ شما جمعیت جاهل و بی‌خبری هستید، به صورت کلی به تأثیر عامل جهل در بهانه‌جویی اشاره کرده است. اما در دو آیه بعد، با لطیف‌ترین بیان و کوتاه‌ترین برهان، دلیل بهانه‌جویی آنان برای عبادت و پرستش بت‌ها را جهل نسبت به الوهیت خداوند دانسته و می‌فرماید: «قَالَ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» (اعراف: ۱۴۰)؛ گفت: چگونه برای شما غیر از خدای یکتا که بر اهل زمانه برتری‌تان داده است خدایی بجویم. حضرت موسی ﷺ در این آیه به تعریف و توصیف خداوند می‌پردازد و با تکیه بر الوهیت خداوند و بیان برتری دادن بنی اسرائیل بر عالمیان بوسیله همین صفت، عبادت هر معبودی غیر از خدا را برای آن‌ها جایز نمی‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۷۲۷).

#### ۶-۱-۱-۲ جهل به احاطه علمی خداوند به افعال بندگان

خداوند متعال بعد از آیات مربوط به بهانه‌جویی بنی اسرائیل در جریان ذبح گاو (بقره: ۶۸-۷۳) و اشاره به قساوت قلب به عنوان نتیجه آن بهانه‌جویی‌ها می‌فرماید: «وَ مَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره: ۷۴)؛ و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست. این عبارت در عین حال که تهدیدی است برای بنی اسرائیل و کسانی که رفتاری شبیه به رفتار آنان داشته باشند، به نوعی علت آن رفتار را غفلت از علم خداوند و احاطه علمی او نسبت به انسان بیان می‌کند.

علم الهی مطلق و شامل همه هستی می‌شود و چیزی خارج از دایره علم او نیست. در قرآن کریم در موارد بسیاری بر احاطه علمی خداوند با واژگانی همچون عالم، علیم، خبیر، بصیر و... تأکید شده است. علیم و بصیر است به اعمال و رفتار انسان (بقره: ۲۵۵؛ هود: ۹۲)، به اجل انسان‌ها و امت‌ها (انعام: ۳، عنکبوت: ۵)، به اسرار و رازهای نهفته در وجود آدمی (بقره: ۷۷)، افتراها و تهمت‌ها (نحل: ۱۰۳)، انفاق‌های پیدا و پنهان (بقره: ۲۶) و... اعتقاد و باور به احاطه علمی او به افعال انسان، ایجاد کننده نوعی کمال روحی و معنوی است که مانع ارتکاب به گناه می‌شود (رعد: ۱۰-۸).

نگاه پوزیتیویستی به جهان و شناخت‌های صرفاً حسی که هدف نهایی آن تنها اراده و طلب دنیا باشد، به‌شدت مورد مذمت قرآن قرار گرفته است (نجم: ۲۹-۳۰). این نهایت انحطاط فکری انسان‌های دنیاپرست و اسیر در چنگال مادیات است که فهم و ادراک و عقل از آنان گرفته شده و نهایت فهم و شعورشان خواب و خور و عیش و نوش و متاع فانی و زودگذر و زرق و برق دنیاست. کسانی که ماورای حواس ظاهری هیچ چیزی را درک نمی‌کنند، و هیچ فکر و خیالی جز زخارف دنیوی و امور ظاهری ندارند و به معنویات هیچ توجه نمی‌کنند (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۲: ۳۳۵)، کسانی هستند که دلایل روشن انبیای الهی را به سخره می‌گیرند و به دانش خود خوشحال هستند (غافر: ۳۸)، دانشی که آنان را به غرور و خودپسندی می‌اندازد و در برابر علم انبیا و دعوت آنان به تمسخر می‌پردازند. اینگونه افراد حتی در صورت ایمان آوردن به پیامبران، به راحتی تعالیم و حیانی آنان را قبول نمی‌کنند و در برابر سفیران الهی تا جایی که می‌توانند به بهانه‌جویی و درخواست‌های جاهلانه می‌پردازند.

با دقت در قصه‌های بنی‌اسرائیل در قرآن و تأمل در خلیات آنان می‌توان فهمید، آنان قومی مادی‌نگر بوده‌اند. قومی که به حقایق ماورای ماده و حس ایمان نمی‌آوردند و فقط در برابر لذت‌ها و جلوه‌های مادی تسلیم می‌شدند. این بینش صرفاً مادی آنان باعث شده بود، عقل و اراده آنان تحت فرمان و انقیاد حس قرار گیرد و تنها آنچه را در حوزه محسوسات باشد تصدیق کنند و در برابر غیر آن بهانه‌جویی کنند. درخواست‌های عجیب و غیرمنطقی بنی‌اسرائیل مانند درخواست بت‌سازی (اعراف: ۱۳۸) و رویت آشکارای خداوند با چشم ظاهر (بقره: ۵۵)، ناشی از همین بینش مادی بوده است.

### ۶-۱-۳ سوءظن به خدا

قرآن کریم یکی از علل بهانه‌جویی افراد در برابر دعوت پیامبر ﷺ را سوءظن به خدا معرفی کرده است. در جریان دستور پیامبر ﷺ به اعراب بادیه‌نشین مبنی بر همراهی با حضرت در سفر عمره و عدم همراهی آنان به بهانه اشتغال به مال، زن و فرزند، قرآن کریم ضمن رد بهانه اعراب بادیه‌نشین و صادق نبودن آنان در توبه خود، علت اصلی عدم همراهی با پیامبر ﷺ را اینگونه بیان می‌فرماید: «بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَ زَيَّنَّ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَ ظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا» (فتح: ۱۲)؛ تخلف شما از جنگ، ربطی به اموال و خانواده‌تان نداشت بلکه پنداشتید پیامبر



و مؤمنان هرگز به کسان خود باز نمی‌گردند، و این پندار باطل در دل‌هایشان آراسته شد، و گمان بد بردید [که خدا پیامبر و مؤمنان را یاری نخواهد کرد] و شما [به سبب این پندار باطل و گمان بد] قومی نابود شدنی هستید.

این افراد در آیه قبل (فتح: ۱۱)، اشتغال به مال و خانواده را علت عدم همراهی پیامبر ﷺ ذکر کردند، اما در این آیه خداوند متعال به تکذیب اعتذار آنان می‌پردازد و توجیه‌شان را وسیله‌ای برای در امان ماندن از عتاب و توبیخ مردم و اساس آن را سوءظن به خدا معرفی می‌نماید. آنان گمان می‌کردند خداوند متعال رسولش را یاری نمی‌کند و دین خود را غلبه نمی‌دهد. بنابراین پیامبر ﷺ و مؤمنین و هرکسی که در این سفر شرکت کند زنده بر نمی‌گردد و به دست قریش کشته خواهد شد. شبیه این بینش در مورد منافقان و مشرکان نیز وجود دارد که خداوند در چند آیه قبل تصویر نموده است: «و يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ» (فتح: ۶)؛ و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد می‌برند عذاب کند.

## ۶-۱-۲ عوامل گرایشی بهانه‌جویی

### ۶-۱-۲-۱ تفوق‌طلبی

منظور از تفوق‌طلبی آن است که فطرت هر انسانی بدنال بدست آوردن کمالی است که با آن خود را از دیگران متمایز کند و بوسیله آن در میان اقران خود کرامت و شرافتی کسب نماید. این گرایش به عنوان یکی از گرایش‌های اصیل انسانی و یکی از نعمت‌های الهی به بندگان است که اگر در مسیر معنویت و اطاعت الهی قرار داده شود، زمینه تعالی انسان را فراهم می‌نماید. در غیر اینصورت به خوی سرکشی و ملکه استکبار تبدیل می‌شود و حس خودبرتربینی را بوجود می‌آورد. این افراد در حالی که باطنشان به حق بودن چیزی یقین دارد، ستمکارانه و برتری‌جویانه آن را انکار می‌کنند (نمل: ۱۴) و زمانی که نتوانند مستقیم در برابر حق بایستند، برای سر بر تافتن از آن بدون هیچ دلیل و حجتی، با پرسش‌های بیجا و درخواست‌های جاهلانه به بهانه‌جویی روی می‌آورند.

در آیات مربوط به بهانه‌جویی بنی‌اسرائیل، می‌توان گرایش به تفوق‌طلبی را در نوع خطاب آنان با حضرت موسی ﷺ مشاهده نمود. آنجا که با عبارت «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ، حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً» (بقره: ۵۵)، ایمان آوردن به حضرت موسی ﷺ را مشروط به ملاقات جهری خدا می‌کنند و با خطاب به حضرت موسی ﷺ شرط می‌گذارند که ما هرگز زیر بار تقلید نمی‌رویم، و تا چیزی را نبینیم، نمی‌پذیریم، و یا با عبارت «لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامِ وَاحِدٍ

فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَ قِنَائِهَا وَ فُومِهَا وَ عَدَسِهَا وَ بَصَلِهَا» (بقره: ۶۱)، صبرکردن بر طعام واحد را نفی می‌کنند و با دستور به حضرت موسی علیه السلام اجابت خواسته‌هایشان و به نوعی استقلال در تمام امور را طلب می‌نمایند.

۶-۱-۲-۲ تنوع‌طلبی

تنوع‌طلبی از لوازم زندگی و از خواسته‌های بشر است که طبیعت انسان به آن میل دارد. طبیعی است انسان بعد از مدتی از یکنواختی غذا خسته شود و تنوع در برنامه غذایی را مدنظر خود قرار دهد. اما اگر تنوع‌طلبی ناشی از زیاده‌خواهی، بی‌همتی، شهوت‌پرستی، ضعف روحی و به دور از درک موقعیت‌های بحرانی زندگی باشد مذموم است (جعفری، ۱۳۷۶، ج: ۱، ۱۸۷). این نوع از تنوع‌طلبی در هر زمینه‌ای می‌تواند آثار مخربی به‌همراه داشته باشد که نمونه آشکار آن، بهانه‌جویی و لجاجت در برابر حق است. تنوع‌طلبی بنی‌اسرائیل که منجر به بهانه‌جویی‌های آنان در برابر اوامر الهی گردید و در نهایت ذلت و مسکنت و غضب الهی را برای آنان به ارمغان آورد، از این نوع بوده است.

بنی اسرائیل در صحرا، بدون رنج و تعب از دو خوراک لذیذ «مَن و سلوی» استفاده می‌کردند، اما آنان از حضرت موسی علیه السلام درخواست غذاهای متنوعی کردند، همان غذایی که قبلاً در شهر مصر داشتند. حضرت موسی علیه السلام گفت: شما اگر از غذاهای غیر متنوعی در این بیابان بهره می‌گیرید، در عوض ایمان دارید و آزاد و مستقل هستید! آیا می‌خواهید برگردید و باز برده و اسیر فرعونیان یا امثال آن‌ها شوید، تا از باقیمانده سفره آنان، از غذاهای متنوعشان بهره بگیرید؟ شما به دنبال شکم و خورد و خوراکید، هیچ نمی‌اندیشید که آن روز برده و اسیر بودید، و امروز آزادید و سر بلند! در واقع اگر شما محرومیت مختصری دارید این بهای آزادی است که می‌پردازید (قطب، ۱۴۲۵، ج: ۱، ۷۴).

### ۶-۱-۲-۳ راحت‌طلبی و منفعت‌طلبی

یکی از مسائل مهم در حوزه دینداری، پایداری و استقامت در منشأ دین است. چه بسا افرادی که در شرایط معمولی، رفتار مؤمنانه دارند، اما در سختی‌ها و گرفتاری‌ها و به تناسب شرایط جامعه و بروز و ظهور موانع، میزان پایداری و تبعیت آن‌ها از اوامر الهی دچار ضعف می‌گردد (حج: ۱۱-۲۲). دینداری این افراد برای سود مادی و استخدام دین برای دنیاپاشان است. زمانی که دین برای آنان منفعت و راحتی به همراه داشته باشد به آن اقبال دارند، ولی با قرار گرفتن در فتنه‌ها و گرفتاری‌ها به شکل‌های مختلف به اوامر الهی پشت می‌کنند. این یکی از ویژگی‌هایی است که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در



بین برخی از صحابه وجود داشت. زمانی که با مشاهده لشکر انبوه احزاب، ترس وجود آنان را فرا گرفت و برای عدم شرکت در جهاد از رسول خدا ﷺ اجازه بازگشت خواستند و بهانه آوردند که «إِنَّ بِيُوتَنَا عَوْرَةً» (احزاب: ۱۳)؛ یعنی خانه‌های ما، در و دیوار درستی ندارد، و ایمن از آمدن دزد و حمله دشمن نیستیم، اما خداوند در جواب بهانه جویی آن‌ها فرمود: «وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا»؛ آنها دروغ می‌گویند و خانه‌هایشان بدون در و دیوار نیست، و از این حرف جز فرار از جهاد منظوری ندارند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۲۸۶).

#### ۶-۱-۲-۴ مسئولیت‌گریزی

بدون شک مولود بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی، مسئولیت‌گریزی به معنای پاسخ‌گو نبودن و عدم تعهد در قبال مسئولیت‌ها است (گنجی، ۱۴۰۰: ۱۳). مسئولیت‌گریزی ناشی از عواملی همچون خودخواهی، ضعف شخصیتی، ضعف اعتقادی و کج فهمی است. عدم کنترل غریزه‌ی خودخواهی سبب می‌شود، انسان تنها به دنبال استیفای حق خود بوده و نسبت به ادای حقوق دیگران بی‌تفاوت باشد. همچنین ضعف شخصیتی و عدم احساس کارایی، ارزش‌مندی و اعتماد به نفس، ترس نسبت به پذیرش مسئولیت را بوجود می‌آورد. ضعف اعتقادی و تمایل به آزادی مطلق باعث می‌شود فرد خود را در برابر خدا مسئول نداند. همچنین کج‌فهمی برخی از تعالیم دین مانند تقوا، زهد و آخرت‌گرایی و جایگزینی درون‌گرایی، گریز از اجتماع و عدم دخالت در امور اجتماعی، انسان را به سوی مسئولیت‌گریزی سوق می‌دهد. این عوامل باعث می‌شود انسان برای شانه خالی‌کردن از بار مسئولیت و یا کار زشتی که مرتکب شده است، به ساز و کارهای بهانه‌جویی روی آورد (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۱۷۲).

قرآن کریم یکی از عوامل بهانه‌جویی در برابر اوامر انبیای الهی را، مسئولیت‌گریزی دانسته است. چنان‌که قوم حضرت موسی ﷺ برای تخلف از جهاد (مائده: ۲۴) و ذبح نکردن گاو (بقره: ۶۷-۷۳) و امت حضرت محمد ﷺ برای شانه خالی کردن از حضور در جهاد (احزاب: ۱۲) و عدم شرکت در نماز جماعت (بقره: ۲۳۸) و حتی بعد از بازگشت مسلمانان از صلح حدیبیه (فتح: ۱۱) به علت تمرد از دستور پیامبر ﷺ و توجیه گناهی که مرتکب شده بودند به بهانه‌جویی پرداختند.

#### ۶-۲ عوامل مربوط به ساختار بیرونی انسان

منظور از عوامل بیرونی، متغیرهای محیطی خارج از وجود انسان و پیرامون او است که در زندگی با آن مواجه است و می‌تواند تأثیر منفی بر رفتار او داشته باشد و انحرافات و

آسیب‌های اجتماعی خطرناکی را برای جامعه ایمانی بوجود آورد. این عوامل، جهت‌دهنده و سوق‌دهنده به بینش‌ها و گرایش‌های انسانی است و تأثیر قهری و جبری در ایجاد رفتارهای نامطلوب ندارد و در نهایت این اراده و اختیار است که می‌تواند بر این عوامل، فائق آمده و بر آن‌ها غلبه نماید. این عوامل عبارت است از:

#### ۶-۲-۱ عوامل فیزیکی

مقصود از عوامل فیزیکی، اموری مادی است که بیرون از روح و روان فرد بوده، ولی از طریق تأثیر در شخصیت انسان، مؤثر در رفتار انحرافی می‌شود. از جمله این امور می‌توان به افزایش یا کمبود کفی اموری مانند ثروت، مقام دنیوی و انواع نعمت‌های مادی همچون خوراک، پوشاک، مسکن و... اشاره کرد (آقاجانی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). بنی‌اسرائیل بعد از رهایی از اسارت و شکنجه فرعونیان و مشاهده انواع معجزات از قبیل عصا، ید بیضا، شکاف دریا و عبور آنان، غرق شدن فرعونیان، انفجار چشمه‌های آب از سنگ، نزول من و سلوی و... به ریاست و ثروت و سلطنت رسیدند (طیب، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۳). اما با وجود همه‌ی این اسباب و وسایل هدایت و متنعم بودن به انواع نعمت‌ها، نه تنها به راه حق نیامدند، بلکه با بهانه‌جویی‌های مختلفی که قبلاً ذکر شد، مخالفت با اوامر ولی‌نعمت را در پیش گرفتند و خداوند برای آنان تعبیر «وَ لَکِنْ کَانُوا أَنفُسَهُمْ یَظْلُمُونَ» (بقره: ۵۷)؛ ظلم به نفس را مطرح نمود.

#### ۶-۲-۲ عامل غیر محسوس (وسوسه شیطان)

علاوه بر عوامل مادی، عامل غیرمحسوسی در تسهیل و تسریع انحرافات اجتماعی تأثیر به‌سزایی دارد. قرآن از موجودی حقیقی (نه توهمی یا اسطوره‌ای) به نام «ابلیس» یا «شیطان» یاد می‌کند که به خاطر دشمنی با فرزندان آدم علیهم‌السلام، از طرق مختلف مانند: زینت دادن بدی‌ها (نمل: ۲۴) وعده و وعیده‌های کاذب (اسراء: ۶۴) آرزوهای خیالی (نساء: ۱۲۰) وسوسه (ناس: ۵) و تدبیر امور افرادی که او را به ولایت گرفته‌اند (نحل: ۱۰۰) انسان را به انحراف و کجروی می‌کشاند.

در جریان بهانه‌جویی برخی از مؤمنان در عدم همراهی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای شرکت در سفر عمره که منجر به صلح حدیبیه گردید، (فتح: ۱۱) خداوند متعال ضمن تکذیب اعتذار آنان به اشتغال مال و خانواده، علت اصلی را سوء ظن به خدا معرفی نمود (فتح: ۱۲)، اما قبل از آن، به یک عامل مداخله‌گر که زینت‌گری شیطان است اشاره می‌نماید: «وَ زُیِّنَ ذَٰلِكَ فِی قُلُوبِكُمْ وَ ظَنَّتُمْ ظَنَّنَ السُّوءِ...» و این پندار باطل در دل‌هایتان آراسته شد، و گمان بد بردید.





برخی از مفسران در تفسیر این آیه بیان داشته‌اند: همان بهانه‌ای که در دل آنان وجود داشت، بوسیله ابلیس و جنودش جلوه داده شد و سوءظن به خدا هم به آن ضمیمه گردید و برای این که کشته نشوند از دستور پیامبر ﷺ تخلف کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۲۷۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۳: ۳۱۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸: ۷۴).

### ۳-۲-۶ زمینه‌سازهای اجتماعی و فرهنگی

از دیگر عوامل زمینه‌ساز ایجاد رفتار اجتماعی نامطلوب، زمینه‌سازهای فرهنگی و اجتماعی است. منظور از این زمینه‌سازها، ساختار اجتماعی آسیب‌ساز و انحراف‌آفرین و هم‌نشینی‌های تأثیرگذار در وجود انسان می‌باشد.

#### ۱-۳-۲-۶ ساختار اجتماعی آسیب‌ساز

بعضی جوامع انسانی به لحاظ بافت اجتماعی و فرهنگی خاص خود زمینه‌ساز انحراف‌های اخلاقی، فکری، اقتصادی و... بوده و افرادی که در این جوامع زندگی می‌کنند، اگر در مسیر و روند جاری آن محیط قرار گیرند فرهنگ حاکم بر جامعه در آنان اثر می‌گذارد و تابع محض آن خواهند شد.

در قرآن کریم نمونه‌های فراوانی از مصادیق جوامع آسیب‌ساز وجود دارد. به عنوان نمونه، می‌توان به جامعه فرعون‌ی که بنی‌اسرائیل سالیان زیادی در آن زندگی کرده بودند، اشاره کرد. قرآن از آن به عنوان الگوی تمامی جوامع انحرافی نام برده است «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص: ۴۱). جامعه‌ای که در بردارنده استبداد سیاسی (حاکمیت مطلقه فرعون‌ی)، استبداد فرهنگی هامانی (کاهن بزرگ حکومت فرعون) و استبداد اقتصادی قارونی بود و مردم از چنین ساختار اجتماعی تبعیت محض داشتند (صمد، ۱۳۹۳: ۱۲۵).

بسیاری از ویژگی‌هایی که در قوم حضرت موسی ﷺ وجود داشت، ناشی از تأثیر ساختار اجتماعی غلط فرعون‌ی بوده است. اگر بهانه‌جویی و مقاومت در برابر اوامر حضرت موسی ﷺ به عنوان یکی از صفات و مشخصه‌های بارز این قوم شناخته می‌شود و در تاریخ به آن معروف شده‌اند، ریشه در این ساختار اجتماعی داشته است. تقویت روحیه بهانه‌جویی و سرسختی آنان برای پذیرش حق به علت زندگی طولانی آنان در مصر زیر سلطه مصریان بوده است. در این مدت طولانی، فرعونیان بنی‌اسرائیل را خوار و ذلیل و برده خود کردند، شکنجه دادند، فرزندانشان را می‌کشتند، و زنانشان را زنده نگه می‌داشتند، و همین وضع باعث شد، جنس یهود سرسخت بار بیاید، و در برابر دستورات انبیا انقیاد نداشته، گوش به فرامین علمای ربانی خود ندهند، با اینکه آن دستورات و فرامین، همه به سود معاش

و معادشان بود (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج: ۱، ۳۱۵).

همچنین بسیاری از بهانه‌جویی آنان بر اساس درخواست‌های جاهلانه از پیامبرشان ناشی از بینش مادی و مادی‌گرایی و تبعیت محض آنان از حس و ماده بوده است. درخواست بنی‌اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام مبنی‌بر ساختن بت (اعراف: ۱۳۸)، بعد از نجات آنان و غرق شدن فرعون و جنودش، با دیدن قومی که مشغول بت‌پرستی بودند، به علت رسوب مادی‌گرایی و فرهنگ غلط بت‌پرستی بود که ساختار آسیب‌زای فرعون برای مردم ایجاد کرده بود.

همچنان که این ساختار نیز به نوعی در شبه جزیره عربستان عصر جاهلیت، بخاطر دوری از تمدن و محرومیت از برکات انسانی از قبیل علم و ادب، وجود داشته است و باعث سنگدل‌تر شدن آنان در برابر فرامین الهی گردید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج: ۹، ۳۷۰)، که قرآن از آن به «أَشَدُّ كُفْرًا وَ نِفَاقًا» تعبیر کرده است (توبه: ۹۷).

۶-۳-۲ نقش همنشینی در ایجاد بهانه‌جویی

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد رفتار بهانه‌جویی، همنشینی با افراد و گروه‌هایی است که به دلایل گوناگون دارای این مشخصه می‌باشند. انسان موجودی اجتماعی است و در حوزه ارتباط با دیگران، ارتباطات سالم می‌تواند او را به رشد و تکامل و ارتباطات ناسالم او را در سراسی سقوت قرار دهد. به خاطر همین تأثیر معجزه‌آسای همنشینی بر انسان، در روایات نسبت به این قضیه حساسیت زیادی نشان داده شده است تا جایی که حضرت علی علیه السلام همنشینی با فاسق را پیوستن و ملحق شدن به آن معرفی می‌نماید (دستی، ۱۳۷۹: ۴۶۰). تأثیر این عامل آنقدر زیاد است که همسر و پسر پیامبر اولوالعزم حضرت نوح علیه السلام را از خدا و دین و رسول خدا جدا کرد و در زمره کفار و مشمول غضب الهی قرار داد (هود: ۴۲-۴۳).

مصادیق این همنشینی بسیار زیاد است: از پدر و مادر، خواهر، برادر، فرزندان گرفته تا همسایگان، خویشان دوستان، آشنایان و... یکی از مصادیق آن دشمنان دوست‌نما می‌باشد. دوستانی که چهره واقعی‌شان دشمنی است و در همین دنیا و یا آخرت چهره واقعی آنان نشان داده می‌شود: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف: ۶۷)؛ در آن روز دوستان دشمن یکدیگرند مگر پرهیزکاران. نمونه بارز این افراد در جامعه اسلامی، منافقان هستند که در ظاهر مؤمن و ظاهر الصلاح اما در باطن از کفار هم بدترند. در ایجاد بسیاری از رفتارهای اجتماعی نامطلوب در جامعه ایمانی، از جمله بهانه‌جویی،



ردپای چنین افرادی به راحتی قابل رؤیت و درک است. از جمله ویژگی‌هایی که در قرآن درباره منافقان آمده است، بهانه‌جویی و لجاجت می‌باشد که به صورت‌های گوناگون سعی دارند این ویژگی به مسلمانان نیز سرایت کند. به عنوان نمونه می‌توان به بهانه‌جویی مسلمانان در عدم شرکت در جهاد که در آیه ۱۲ سوره احزاب آمده اشاره کرد که در کنار مؤمنان و قبل از آن این بهانه‌جویی از سوی منافقان مطرح گردیده است: «وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا \* وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» (احزاب: ۱۲-۱۳)؛ همان روزی که منافقان و بیماردلان گفتند: خدا و رسولش جز فریبی به ما وعده ندادند، روزی که طائفه‌ای از ایشان گفتند: ای اهل مدینه! دیگر جای درنگ برایتان نیست، برگردید، و عده‌ای از ایشان از پیامبر اجازه برگشتن گرفتند، به این بهانه که گفتند خانه‌های ما در و بام محکمی ندارد، در حالی که چنین نبود، و منظوری جز فرار نداشتند.

در آیه ۱۸ همین سوره خداوند به وسوسه‌گری و اغواگری منافقان برای عدم حضور مسلمانان در جهاد اشاره کرده است: «قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَ الْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَ لَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب: ۱۸)؛ یقیناً خدا بازدارندگان را از میان شما [که مجاهدان را با وسوسه و اغواگری از شرکت در جهاد باز می‌دارند] و کسانی را که به بردارانشان [آن برداران دینی که ایمانشان سست است] می‌گویند: [برای عیش و نوش] به سوی ما بیایید [شما را به شرکت در جهاد چه کار؟] می‌شناسد؛ و جز اندکی به جهاد نمی‌آیند.

کلمه «معوقین» اسم فاعل از تعویق به معنای منصرف کردن و تأخیر انداختن است، و کلمه «هلم» اسم فعل به معنای «بیا» و کلمه «باس» به معنای شدت و جنگ و کلمه «اشحة» جمع شحیح به معنای بخیل می‌باشد. در این آیه خداوند متعال افرادی را نشان می‌دهد که ایمان در دل‌هایشان جای‌گیر نشده، هر چند که در زبان آن را اظهار می‌کنند (منافقان) و به بیماردلان (مؤمنان ضعیف‌الایمان) می‌گویند بیایید نزد ما و به جهاد نروید، و خود کمتر در جهاد شرکت نموده و از شما مسلمانان جان خود را دریغ می‌دارند. پس خداوند اعمال آنان را بی‌اجر نموده و این کار برای خدا آسان است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۶: ۲۷۲).

## ۷- ریشه اصلی بهانه‌جویی و اعراض از اوامر الهی

با توجه به اصل مسلّم تفسیر و معناشناسی آیات قرآن به کمک یکدیگر، می‌توان ریشه اصلی بهانه‌جویی و اعراض از اوامر را بوسیله آیه «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» (بقره: ۱۳۰)، به روشنی استنباط کرد. هر چند آیه بطور کلی، بر تشویق جامعه انسانی به تسلیم در برابر اوامر الهی دلالت دارد و اعراض از آن را از سفاهت نفس و بی‌بهره بودن از درک حقایق دانسته است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج: ۱، ۳۰۰؛ طبری، ۱۴۱۲، ج: ۱، ۴۳۶؛ حسینی همدانی، ۱۳۷۵، ج: ۱، ۳۵۸)، اما تحلیل محتوای آیه با بکارگیری صنعت بلاغی تضمین، پرده از معرفتی روان‌شناسانه بر می‌دارد.

تضمین، به عنوان یکی از قواعد ادبیات عرب، کاربردی بلاغی و نسبتاً فراوان در آیات قرآن دارد و با توجه به پیشینه تاریخی آن در حوزه‌های علوم ادبی، اعراب القرآن، علوم قرآنی و دانش تفسیر، می‌توان به جستجوی آن پرداخت. در تعریف تضمین آمده است: «هو اشراب لفظ معنی لفظ»: آمیخته شدن و جای‌گیری معنای واژه‌ای در واژه‌ی دیگر (صبان، ۱۴۲۵، ج: ۱، ۲۰ و ۱۳۵) به گونه‌ای که حکم واژه‌ی دوم را دارا شود تا از رهگذر آن یک واژه در بر دارنده‌ی دو معنا گردد (ابن هشام، ۱۴۰۴: ۸۹۷).

بر این اساس، تضمین (فعلی) یعنی فعلی همراه با متعلقاتی آورده شود که متعلق خود آن فعل نیست بلکه متعلق به فعل دیگری است که در ضمن آن فعل اراده شده باشد. به دیگر سخن، قراردادن معنای یک فعل در فعل دیگری است و این یک کاربرد بلاغی است. با نظر به دیدگاه‌های دانشمندان و نحویون در تعریف قاعده‌ی تضمین می‌توان گفت: تضمین آن است که واژه‌ای بدون پیوستن امری بیرونی به آن، معنایی بیش از استحقاق خود را داشته باشد (حسن، ۱۴۲۲، ج: ۲، ۵۲۲). البته در تضمین باید فعل مضمون، تناسبی با فعل مذکور داشته باشد و نمی‌توان هر فعلی را به عنوان مضمون در نظر گرفت (شارح دسوقی، ۱۳۸۷: ۳۰۵) که در جهت اختصار و پربار شدن معنا استفاده می‌شود و البته توجه به آن در قرآن از خفایا و اسرار آیات پرده بر می‌دارد.

در آیه ۱۳۰ سوره بقره «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ...» فعل رَغِبَ با عن آمده و فعلی که در تلازم با رَغِبَ می‌باشد و با حرف جرّ عن می‌آید «أَعْرَضَ» می‌باشد و البته تلازم بین آن‌ها تلازم ضدّ است (رَغْبَةٌ إِعْرَاضٌ). به عبارت دیگر، کلمه رغبت وقتی با لفظ «عن» متعدی شود (یعنی بگوئیم من از فلان چیز رغبت دارم)، معنای اعراض و نفرت را می‌دهد (یعنی من از فلان چیز اعراض و نفرت دارم)، و چون با لفظ



«فی» متعدی شود، معنای میل و شوق را می‌دهد، (یعنی من به فلان چیز علاقه و میل دارم) (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج: ۱، ۳۰۰).

با در نظر گرفتن تضمین در فعل یَزَعْبُ، آیه را می‌توان به این صورت «و من أَعْرَضَ عَن مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ رَاغِبًا فِي غَيْرِهَا» نیز مورد توجه قرار داد، که آن فعلی مضمون را که تناسب با عن دارد به جای فعل یرغب بگذاریم و فعل مذکور را به شکل اسم منصوب در نقش حال در عبارت قرار دهیم (حسن، ۱۴۲۲، ج: ۲، ۵۳۱).

گونه‌ی دیگر از قاعده‌ی «تضمین» مانند نمونه‌ی به کار رفته در آیه‌ی ۱۳۰ سوره‌ی بقره، تضمین به دیده‌ی اصل فعل است که آن عبارت است از به کار رفتن تضمین به اعتبار اصل فعل و از نظر لازم و متعدی بودن و ارائه‌ی معنای تضمینی جدید. در آیه‌ی ۱۳۰ سوره بقره «وَمَنْ يَزَعْبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ...»، «سَفِهَ» فعلی است لازم و بی‌نیاز از مفعول (متعدی کردن)، اما هنگامی که عامل نصب اسمی (نفسه) به عنوان مفعول شود، متضمن فعلی متعدی که در تلازم با سفاهت است همچون أَهْلَكَ، اِهَانَ یا جَهَلَ می‌گردد (ابن هشام، ۱۴۰۴، ج: ۲، ۵۲۵)، که معنای تضمینی تازه، متعدی بوده و اراده و تعمّد در انجام فعل یعنی روی‌گرداندن عامدانه را افاده می‌کند.

در تفسیر اطیب البیان ذیل آیه‌ی مورد بحث آمده است: سفاهت بر دو قسم است: سفیه قاصر، و آن کسی است که ذاتا دارای شعور و رشد عقلی نباشد مانند سفیه در آیه «و لا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ» (نساء: ۵) که سفیه به این معنی لازم است، و سفیه مقصر، و آن کسی است که بواسطه نرفتن از پی‌معرفت و تحصیل رشد و کمال بواسطه جهالت یا عناد و عصبیت، خود را سفیه نموده باشد و از این‌جهت پرده و حجابی روی عقل و ادراک ذاتی خود کشیده و حقایق را درک نمی‌کند، مانند سفیه در آیه ۱۳۰ سوره بقره، و سفیه به این معنی متعدی است (طیب، ۱۴۱۲، ج: ۲، ۲۰۲).

بنابراین، با توجه به دو صنعت تضمین بکار رفته در آیه، یکی تضمین أَعْرَضَ در «یرغب عن» و دیگری تضمین فعل‌های متعدی «أهْلَكَ، اِهَانَ یا جَهَلَ» در فعل لازم «سَفِهَ»، می‌توان نتیجه گرفت که آیه در مقام افاده‌ی این حقیقت است که ریشه اصلی اعراض از حق و فرمان‌های الهی، میل و رغبت عامدانه به غیر خدا و دل در گرو غیر او (هوای نفس) داشتن است، یعنی هواها و امیال نفسانی است که آدمی را از فطرت الهی و توحیدی رویگردان می‌کند.

این رغبت، گوش و چشم و همت انسان را معطوف به لذات دنیوی و مادی می‌کند و او

را از یاد خدا غافل می‌نماید (منافقون: ۹)، و به جای دیدن منعم، فقط نعمت را می‌بیند. پیامبر اکرم ﷺ این تمایل را از پایه‌های کفر (حر عاملی، ۱۳۸۰، ۲۲۱) و امام صادق ﷺ آن را از صفات دشمنان خدا دانسته است (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۳۶)، چرا که نتیجه‌ای جز نادیده گرفتن اوامر الهی و عدم پذیرش آن ندارد (فاطمی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۵۷).

نمودار ۳: زمینه‌ها و عوامل بهانه‌جویی‌های اجتماعی در برابر اوامر الهی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم





## نتیجه‌گیری

وقتی تعدادی از افراد جامعه عملی یا رفتاری را آگاهانه یا ناآگاهانه، به کرات و مشابه هم، در یک مقطع زمانی خاص انجام دهند به گونه‌ای که در آنان نهادینه شود، به آن رفتار اجتماعی می‌گویند. رفتار اجتماعی به دو قسم مطلوب و نامطلوب تقسیم می‌گردد. آنچه در حوزه رفتار اجتماعی حائز اهمیت است، حرکت جمعی از وضع نامطلوب به مطلوب است. اولین قدم در این راستا، شناسایی عوامل و زمینه‌های ایجاد رفتار نامطلوب می‌باشد. با توجه به ساختار وجودی و خلقت انسان و ویژگی اجتماعی بودن او، می‌توان ریشه بسیاری از مشکلات در حوزه رفتار اجتماعی و عوامل زمینه‌ساز را از دو منظر ساختار درونی انسان و خارج از وجود او پی‌جویی نمود.

بهانه‌جویی به صورت درخواست‌ها و پرسش‌های جاهلانه و بعضاً ستیزه‌جویانه در برابر پیامبر و رهبران الهی، به جهت نپذیرفتن حق و ستیزه در برابر تعالیم دین، به عنوان یکی از رفتارهای اجتماعی نامطلوب از ویژگی‌های مشترک قوم حضرت موسی علیه السلام و امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که در قرآن کریم به آن پرداخته شده است و با تحلیل آیات قرآن در این زمینه، می‌توان عوامل زمینه‌ساز آن را شناسایی کرد.

در رهیافت قرآنی، عوامل زمینه‌ساز بهانه‌جویی‌های اجتماعی در برابر اوامر الهی در حوزه ساختار درونی انسان، یکسری عوامل معرفتی و غریزی است که از آن به عنوان عوامل بینشی و گرایشی یاد می‌شود. جهل و سفاقت در زیر شاخه بینشی، اولین و مهم‌ترین عامل محسوب می‌گردد و در بُعد گرایشی، رغبت عامدانه به غیر خدا و تمایل به وسوسه‌های نفسانی و تسویل‌گری‌های آن، منشأ تفوق طلبی، راحت طلبی، منفعت طلبی، مسئولیت‌گریزی و... به شمار می‌آید. گرایشی که تمایل به شیاطین بیرونی و رهزنان سعادت و کمال انسانی را نیز به دنبال می‌آورد و مزرعه‌ی وجود آدمی و جامعه مبتلا به آن را، چراگاه آن‌ها می‌سازد. در حوزه عوامل زمینه‌ساز خارج از وجود انسان که نقش جهت‌دهنده و سوق‌دهنده به بینش‌ها و گرایش‌ها دارد، می‌توان به عوامل مادی و زمینه‌سازهای اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد.

براین اساس، درمان و راه‌های برون رفت از این رفتار اجتماعی نامطلوب، متناظر به عوامل ایجاد کننده‌ی آن است. توجه به پیامدها و اثرات سوء بهانه‌جویی، اصلاح بینش‌ها و گرایش‌های انسانی نسبت به خود و خداوند، سالم‌سازی محیط، اصلاح ساختار اجتماعی آسیب‌زا و توجه به اثرات سوء هم‌نشینی با افراد بهانه‌جو، از راهکارهای درمان

بهانه‌جویی‌های اجتماعی در برابر اوامر الهی است. آنچه در این پژوهش بیان گردید، جنبه بنیادین داشته و به بُعد کاربردی و اجرایی آن به علت محدودیت از نظر حجم مطالب پرداخته نشده است و لازم است در تحقیقی جداگانه به راه‌های برون رفت از این رفتار اجتماعی نامطلوب پرداخته شود.



## کتابنامه

### قرآن کریم نهج البلاغه

- ابن هشام، جمال الدین (۱۴۰۴ق) *مغنی اللیب عن کتب الاعراب*، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق) *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابوترابی، علی (۱۳۸۲ش) ماهیت و ملاک‌های بهنجاری و نابهنجاری از نظر اسلام، *فصلنامه معرفت*، ۱۳۸۲، شماره ۶۴، صص ۶۰-۷۵.
- آخوندی، محمد باقر (۱۳۸۵ش) نگاه جامعه شناختی به قوم یهود در قرآن، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، ۱۳۸۵، شماره ۴۵.
- آقاجانی، نصرالله (۱۳۹۷ش) منطق طبقه بندی آسیب‌های اجتماعی در قرآن و روایات، *فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی*، دانشگاه شاهد، شماره ۳.
- آقاجانی، نصرالله (۱۳۸۲ش) استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۱۹.
- انوری، حسن (۱۳۸۲ش) *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: بینا.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق) *غیر الحکم و دررالکلم*، قم: دار الکتب الاسلامی.
- جان‌ای، گلاور و راجراج برونینگ (بی تا) *روانشناسی تربیتی، اصول و کاربرد آن*، مترجم علی نقی خرازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جلالی، حسین (۱۳۸۰ش) درآمدی بر بحث بینش، گرایش، کنش و آثار متقابل آن‌ها، *فصلنامه معرفت*، شماره ۵۰.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش) *تسنیم*، قم: اسراء.
- حسن، عباس (۱۴۲۲ق) *النحو الوافی*، تهران: ناصر خسرو.
- حسینی همدانی، محمد (۱۳۷۵ش) *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران: لطفی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش) *لغت نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- سجادی، جعفر (۱۳۷۵ش) *اصطلاحات علوم فلسفی و کلامی*، تهران: امیرکبیر.
- شارح دسوقی، محمد بن احمد (۱۳۸۷ش) *حاشیه الدسوقی علی مغنی اللیب عن کتب الاعراب للامام ابن هاشم الانصاری*، بیروت: دار و المکتبه الهلال.
- صبان، محمد بن علی (۱۴۲۵ق) *حاشیه الصبان علی شرح الاشمونی لافیه ابن مالک*، لبنان: المکتبه العصریه.
- صدر، محمد باقر (۱۳۸۸ش) *سنت‌های تاریخ در قرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صمد، بهروز (۱۳۹۳ش) *آسیب‌شناسی کرامت انسانی و راههای درمان آن از منظر قرآن و نهج البلاغه*، پایان نامه دکتری، دانشگاه معارف اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۰۲ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش) *مجمع البیان*، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق) *جامع البیان*، لبنان: دار المعرفه.
- طیب، عبدالحسین (۱۴۱۲ق) *اطیب البیان*، تهران: بی تا.
- عموری، نعیم (۱۳۹۳ش) تبیین و بررسی اراده و انواع آن در قرآن کریم، *فصلنامه پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، دوره ۵، شماره ۱۷.

- عمید، حسن (۱۳۸۹ش) *فرهنگ فارسی*، ویرایش فرهاد قربانزاده، بیجا، اشجع.
- فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق) *تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت: دارالاحیاء تراث عربی.
- فراح زاده، رضا علی، فاطمه عمیقی، نجما حیدری (۱۳۹۱ش) *مصادیق رفتار اجتماعی از دیدگاه قرآن و عترت*، همایش منطقه‌ای اخلاق اجتماعی از منظر قرآن و عترت.
- فولادی، محمد (۱۳۸۴ش) *علل و عوامل پیدایش آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری از آن*، *فصلنامه معرفت*، شماره ۹۱، صص ۳۵-۴۶.
- قربانخانی، امید، سید محمود طیب حسینی (۱۳۹۹ش) *عوامل بینشی و گرایشی تفاخر در تربیت قرآنی*، *فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، شماره ۲، دوره ۵.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق) *فی ضلال القرآن*، بیروت: دار الشروق.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق) *من هدی القرآن*، تهران: دار محبی الحسین.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷ش) *اخلاق در قرآن*، قم: مدرسه الامام علی ابن ابیطالب علیه السلام.
- منادی، مرتضی (۱۳۹۱ش) *چگونگی دگرگونی در رفتارهای اجتماعی مطالعه موردی ترک اعتیاد*، *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، دوره ۸، شماره ۸، صص ۱۷۱-۲۰۷.